

## **The function of chariot in Achaemenid Iran, ancient Mesopotamia and Greek**

**Zeynab Khosravi\***, **Behrouz Afkhami\*\***

**Karim Hajizadeh Hastani\*\*\***, **Ardeshir Javanmardzadeh\*\*\*\***

### **Abstract**

In Indo-European culture, the function of the celestial gods is represented in connection with chariot, and in the Bronze Age, chariot has had a martial function in the Hittite and Egyptian civilizations. In addition, there is a lot of archaeological evidence of chariot from the ancient civilizations of Mesopotamia, Greek and Iran during the Achaemenid period; but the functions of chariot and chariot riding in these civilizations are not properly known. So the main questions of this study are: what are the multiple functions of chariot in the civilizations of Mesopotamia, Greek and the Achaemenids in ancient times? And based on intercultural relations, what are the similarities and differences between these multiple chariot functions? The data of this research have been studied in a qualitative method in a manner descriptive, analytical and comparative. In general, the role of chariot in Indo-European mythology and the martial function of chariot in Hittite and Egyptian

\* PhD student of Archaeology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran,  
zeynab.kh179@gmail.com

\*\* Associate Professor, Department of archaeology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran  
(Corresponding Author), bafkhami@uma.ac.ir

\*\*\* Associate Professor, Department of archaeology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran,  
k\_hajizadeh@uma.ac.ir

\*\*\*\* Assistant Professor, Department of Archeology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran,  
ajavanmard@uma.ac.ir

Date received: 19/05/2021, Date of acceptance: 02/10/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

civilizations have directly and indirectly affected the functions of chariot in all three civilizations and these functions have interacted with other cultural aspects of these civilizations. Thus, the effect of chariot functions on the economy, social stratification, war, rituals and function of the celestial gods, sports and entertainment can be observed. In Mesopotamia, the military, mythological and recreational aspects of chariot, in Greek, the ritual, sports and social aspects of chariot, and in Iran, the military, social and mythological-ritual aspects of chariot have been more prominent.

**Keywords:** Chariot function, Social status, Mesopotamia, Greek, Achaemenid.



## کارکرد ارابه در ایران دوره هخامنشی، میان رودان و یونان باستان<sup>۱</sup>

زینب خسروی\*

بهرروز افخمی\*\*، کریم حاجی زاده باستانی\*\*\*، اردشیر جوانمردزاده\*\*\*\*

### چکیده

در فرهنگ هندواروپایی، خویشکاری خدایان آسمانی در پیوند با ارابه‌رانی بازنمایی شده و در عصر برنز، ارابه در تمدن‌های هیتیت و مصر؛ کارکرد رزمی داشته‌است. علاوه بر این، شواهد باستان‌شناسی فراوانی از ارابه از تمدن‌های باستانی میان‌رودان، یونان و ایران عصر هخامنشی برجای مانده‌است؛ اما به درستی کارکردهای ارابه و ارابه‌رانی در این تمدن‌ها شناخته شده نیست. بنابراین سوالات اصلی این پژوهش این است: کارکردهای چندگانه ارابه در تمدن‌های میان‌رودان، یونان و هخامنشیان در عصر باستان چیست؟ و براساس روابط میان‌فرهنگی این کارکردهای چندگانه ارابه چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی باهم دارند؟ داده‌های این پژوهش با روش کیفی به شیوه توصیفی، تحلیلی و تطبیقی مطالعه شده‌اند. به طور کل نقش ارابه در اساطیر هندواروپایی و کارکرد رزمی ارابه در تمدن‌های هیتی و مصری به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر کارکردهای ارابه در هر سه تمدن تأثیر داشته و این کارکردها با سایر ابعاد فرهنگی این تمدن‌ها برهمکنش داشته‌اند.

\* دانشجوی دکتری، باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، zeynab.kh179@gmail.com

\*\* دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)،

bafkhami@uma.ac.ir

\*\*\* دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، k\_hajizadeh@uma.ac.ir

\*\*\*\* استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، ajavanmard@uma.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰



بدین ترتیب می‌توان تأثیر و تأثر کارکردهای ارابه بر اقتصاد، قشربندی اجتماعی، جنگ، مراسم آیینی و خویشکاری ایزدان سماوی، تفریح، ورزش و سرگرمی را مشاهده نمود. جنبه نظامی، اساطیری و تفریحی ارابه در میانروان برجسته بوده و در یونان بعد آیینی، ورزشی و اجتماعی داشته است. در ایران جنبه نظامی، اجتماعی و اساطیری آیینی نموده‌های بارزتر ارابه بودند.

**کلیدواژه‌ها:** کارکرد ارابه، جایگاه اجتماعی، میان‌رودان، یونان، هخامنشی.

## ۱. مقدمه

اختراع ارابه، تحولاتی در زندگی انسان ایجاد کرد و انجام برخی از کارهای مهم مانند حمل‌ونقل را تسهیل نمود. این امر باعث پویایی در جوامعی شد که ارابه داشتند، بدین ترتیب در جنبه‌های مختلف فرهنگی، کارکردها و بازنمایی‌های چندگانه‌ای در رابطه با ارابه ظاهر شد که به درستی شناخته و مطالعه نشده‌اند. شواهد باستان‌شناختی فراوانی از ارابه‌رانی از تمدن‌های میان‌رودان باستان به اخص امپراتوری آشور، یونان (عهد عتیق و عصر باستان) و امپراتوری هخامنشی شامل مهرها، اثر مهرها، نقوش برجسته، نقش روی سفال، مجسمه‌ها و اسناد نوشتاری بر جا مانده است که گاه رویداد تاریخی را بازگو می‌کنند و گاه داستان‌های اساطیری را به تصویر می‌کشند. بنابراین سوالات پژوهش این است که کارکردهای چندگانه ارابه در تمدن‌های میان‌رودان، یونان و هخامنشیان در عصر باستان چیست؟ و براساس روابط میان‌فرهنگی این کارکردهای چندگانه ارابه چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند؟ با توجه به بازنمایی‌های چندگانه ارابه در ابعاد مختلف فرهنگی، احتمالاً ارابه و ارابه‌رانی بر اقتصاد، قشربندی اجتماعی، جنگ، مراسم آیینی، تفریح و سرگرمی و خویشکاری‌های ایزدان اثر داشته و در این موارد می‌توان شباهت‌هایی را درمیان هر سه تمدن یافت.

این پژوهش براساس کشف حقایق و واقعیت‌هایی درباره کارکردهای اجتماعی ارابه از نظر هدف بنیادی است، داده‌ها شامل انواع شواهد باستان‌شناختی (مهرها، اثر مهرها و ...) و اسناد نوشتاری است که به روش کتابخانه‌ای و اسنادی با ابزاری فیش‌برداری گردآوری شده‌اند. در این پژوهش، داده‌ها با دیدی کل‌نگر به ابعاد مختلف فرهنگی هر سه تمدن و روابط میان‌فرهنگی که با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها مانند هندواروپایی، هیتی، مصر باستان و... داشته‌اند با روش کیفی به شیوه توصیفی، تحلیلی و تطبیقی و براساس

رویکرد اجتماعی مطالعه و بررسی شده‌اند. در این پژوهش منظور از میان‌رودان همه نواحی بین دو رود دجله و فرات، از دوره سومر تا پایان دوره آشورنو است و منظور از عهد عتیق و عصر باستان در تمدن یونان محدوده زمانی ۸۰۰۰ پ.م تا ۳۳۶ پ.م می‌باشد.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که درباره ارابه‌رانی مطالب پراکنده‌ای از تمدن میان‌رودان، یونان باستان و دوره هخامنشی در آثار مختلف آمده است: موک (۲۰۱۵)، در مقاله «مسابقه مرگ‌بار: انسان و اولین بازی‌های تشییع جنازه پاتروکلوس (patroclus)» مسابقات ارابه‌رانی در مراسم تدفین افراد نخبه در یونان باستان را شرح داده است. کورتیس (۱۹۹۸) در مقاله «صحنه ارابه‌رانی در تخت جمشید» به توصیف نقش برجسته‌ای مکشوف از کاخ آپادانای تخت جمشید با نقش ارابه پرداخته است. دزو (۲۰۱۲) در کتاب «ارتش آشوری» کارکردهای نظامی ارابه در این دوره را توضیح می‌دهد. بخش‌های کمی از کتاب «ورزش و تفریح در یونان باستان» نوشته اسویت (۱۹۸۷) به ارابه‌رانی در یونان اختصاص دارد. بیش‌ترین اطلاعات در مورد ارابه در ایران باستان، شواهد باستانی محوطه حسنلو است، یکی از پژوهش‌ها در این باره مقاله‌ای است که ویتر (۱۳۸۶) با عنوان «جام حسنلو سی سال بعد» نوشته و در آن سه خدای ارابه‌ران بر این جام را توصیف کرده‌است. باین حال تاکنون هیچ پژوهشی، ارابه و ارابه‌رانی را در کلیت فرهنگ این سه تمدن و براساس برهمکنشی که با سایر ابعاد فرهنگی آن‌ها داشته، مطالعه نکرده‌است و از همه مهم‌تر اینکه تاکنون جنبه‌های مشابه کارکردها و ارزش‌های اجتماعی ارابه‌رانی در تمدن‌های مختلف باستانی بررسی نشده‌اند و این پژوهش به چنین مواردی پرداخته است.

## ۲. پیشینه ارابه‌رانی

نخستین شواهد باستان‌شناسی از ارابه بین ۳۳۰۰ تا ۳۱۰۰ پ.م در اروپای شرقی و خاور نزدیک پدیدار شد. یکی از این شواهد مهر نوشته‌های اوروک در خاور نزدیک است، موارد دیگر نقش ارابه بر سفالی از جنوب لهستان، طرح سه بعدی ارابه در مقبره‌ای در شرق آلمان و گورهای مجارستان، دفن ارابه در فرهنگ یامنا (Yamna) در استپ‌های روسیه و اوکراین می‌باشد. فرهنگ یامنا اولین فرهنگ استپی هندواروپایی در اوراسیا است که معیشت آن به دامداری وابسته بود و وجود اسب و ارابه به مردم این فرهنگ اجازه می‌داد تا دره‌های رودخانه‌ای را رها کنند و یک فصل کامل با گله‌های خود در اعماق استپ‌ها

حرکت کنند. در حدود ۲۰۰۰ پ.م فرهنگ جدیدی در شرق اورال ظاهر شد که شباهت زیادی به فرهنگ یامنا داشت، این فرهنگ سیتشتالپتروفکا (Sintashta-Petrovka) بود. در فرهنگ سیتشتالپتروفکا ارابه‌های چرخ‌دار که با دو اسب حمل می‌شدند در گورهای ثروتمندان دفن می‌شد. سنت‌های این فرهنگ به هندوایرانی‌ها منتقل شد. نوآوری در حمل و نقل و ساخت ارابه باعث گسترش زبان هندواروپایی شد (Anthony, 1995: 558 & 561-562). در همه زبان‌های خویشاوند هندواروپایی واژه چرخ یا دایره از واژه پرتو هندواروپایی (kwekwlo) اقتباس شده‌است، همراه با گسترش ارابه در فرهنگ‌های هندواروپایی اسطوره و آیین‌های مرتبط با ارابه نیز گسترش یافت (Parpola, 2005: 42 & 6).

علاوه بر شواهد ظهور و توسعه ارابه در فرهنگ هندواروپایی و هندوایرانی، شواهد باستان‌شناسی و نوشتاری زیادی از اواخر عصر برنز (حدود ۱۵۵۰-۱۲۰۰ پ.م) توسعه و گسترش ارابه از یونان تا هند و از جنوب روسیه تا مصر را نشان می‌دهد، در مقبره‌های سلسله هجدهم مصر ارابه‌های واقعی یافت شده‌است و بسیاری از محققان بر نقش ارابه برای جنگ در عصر برنز تأکید کرده‌اند (Moorey, 1986: 169). یکی از مهمترین شواهد ارابه جنگی در عصر برنز از مقبره تاتارلی (Tatarli) یافت شده‌است. به گفته برخی محققان، ارابه‌های جنگی در درجه اول «سکوی شلیک متحرک» بودند. عده‌ای دیگر ارابه را وسیله‌ای معتبر برای موقعیت اجتماعی می‌دانند. شماری نیز ارابه را برای ترساندن و از هم پاشیدن تشکیلات جنگی دشمن فرض کرده‌اند (Licheli, 2007: 115). شواهد متنی موجود در مورد استفاده از ارابه در عصر برنز اندک است. یک نمونه موثق متن‌های مربوط به زمان هاتوشلی اول و مورشیلی اول پادشاهان هیتی در قرن هفدهم پ.م است (Moorey, 1986: 204).

ارابه‌رانی با جهان خدایان هم ارتباط داشت، در فرهنگ هندوایرانی شب و تاریکی نماد مرگ بود، شب با طلوع و غروب خورشید همراه بود که لحظات تولد و مرگ را تداعی می‌کرد. تولید آتش و نور و طلوع خورشید نشانی از زندگی جدید بودند. این گردش روز و شب که با طلوع و غروب خورشید ارتباط داشت در حرکت ارابه نمادین شده بود. این گردش خورشید با خویشکاری ایزدانی مانند ناستیه (Na-sa-at-tiya) هندی و میترای ایرانی پیوند داشت. خویشکاری ناستیه، خدای باروری هندی این بود که با ارابه پرستندگان را به بهشت (جهان خورشیدی) ببرد (Parpola, 2005: 45). ارابه کارکردهای

متنوعی در فرهنگ هندواروپایی داشته و در عصر برنز در خاورمیانه به ویژه در تمدن‌های هیتی و مصری کاربرد نظامی آن به طور چشمگیری افزایش یافته است. البته برخی معتقدند: ارابه فقط برای حمل تجهیزات و تدارک جنگ استفاده می‌شد و کاربرد ارابه، نیروی اسب و انسان را تلف می‌کرد (Anderson, 1975: 184). با این حال برخی از شواهد باستان‌شناسی مانند نقوش معبد لاکسور در تبس، کمانداران مصری روی ارابه را نشان می‌دهد که در نبرد کادش با هیتی‌ها می‌جنگند (littauer, 1972: 150).

### ۳. جایگاه اجتماعی ارابه‌رانی در میان‌رودان باستان

دشت‌های فراخ میان‌رودان، فضایی را برای انسان ایجاد می‌کرد که با وسیله‌ای سریع، این فضا را طی کند. به همین دلیل ارابه به کمک فعالیت حرکتی انسان آمد تا بهتر بتواند بر محدودیت زمان و مکان فائق آید. ارابه‌های سومری آهسته و دست و پا گیر بودند و می‌توانستند ۲۴ کیلومتر مسافت را طی کنند، سربازان برای آنکه با این ارابه‌ها از خطوط دشمن بگذرند از نیزه‌های کوتاه استفاده می‌کردند (Hunt, 2008: 46). به گفته ایگل یادین (Yigael Yadin): «اختراع و توسعه ارابه مهمترین سهم در هنر جنگ در هزاره سوم پ.م. را داشت.» ارابه‌های سومری با الاغ کشیده می‌شدند و حامل یک راننده و یک نیزه‌دار بودند (1963, 132). در میان‌رودان، توسعه کاربری جنگی ارابه به دلیل تأثیرپذیری از جنگ‌های اواخر عصر برنز (حدود ۱۵۵۰-۱۲۰۰ پ.م) بود. در این جنگ‌ها هیتی‌ها و فراعنه مصر برای مقابله با یکدیگر از ارابه استفاده می‌کردند (Moorey, 1986: 169). ارابه‌ها به سادگی خطوط دفاعی دشمن را بر هم می‌زدند و در دل دشمنان ترس ایجاد می‌کردند. در دوره سومر، یکی از علل پیروزی آنتوم در نبرد با دولت‌شهر اوما استفاده از ارابه‌های جنگی بود (Hunt, 2008: 47). از این ارابه‌ها برای عقب‌نشینی و یا تعقیب دشمن استفاده می‌شد، وجود ارابه در میدان جنگ دوست و دشمن را تحت تأثیر قرار می‌داد (McIntosh, 2008: 187). بر روی جعبه تزیینی از قبرستان شاهان اور معروف به «استاندارد اور» ارابه‌ها چهارچرخ جنگی به نمایش درآمده‌اند که از روی اجساد دشمنان عبور می‌کنند (Weippert et al, 2003: 12). استفاده از ارابه در نبردهای هزاره دوم پ.م مستقیم و غیرمستقیم باعث ارتقای سلاح‌های مورد استفاده در جنگ شد، به عنوان مثال شمشیرهای کوتاه‌تر و راحت و نیزه‌های قابل کنترل‌تر برای استفاده در سکوی ارابه ساخته شدند (Orlin, 2007: 83).

در تمدن میان‌رودان ارابه فقط به حوزه جنگ محدود نشد و صاحبان قدرت نظامی و اشراف که ارابه را در دست داشتند، موقعیت اجتماعی قاضی یا کارمند دربار را از آن خود می‌کردند (Wallenfels & Sasson, 2000: 46) و طبق آنچه در الواح بابلی آمده، همین افراد، در هنگام جنگ، تعدادی معین ارابه، اسب و اسلحه برای سپاهیان سواره و پیاده آماده می‌کردند (شی‌یرا، ۱۳۸۶: ۲۸۱). نظامیان و اشراف، صاحبان ارابه بودند؛ آن‌ها برای آن‌که نزد مردم مشروعیت داشته باشند و در نهایت احترام و اطاعت مردم را نسبت به خود برانگیزانند، جهان مثالی را مطابق آنچه بر زمین روی داد سامان دادند (عالم، ۱۳۹۱: ۱۰۵). در اساطیر میان‌رودانی، نین‌گیرسو خدای جنگجو مشابه خدای خورشید بر ارابه آبی می‌ایستاد (Wallenfels & Sasson, 2000: 97). اوتو خدای خورشید قهرمانی بود که مرگ و شب را شکست می‌داد و با ارابه آسمان‌ها را در می‌نوردید و نور و زندگی را اعطا می‌کرد (Kuiper, 2010: 185). اوتو یا شمش خدای عدالت بود و بی‌عدالتی‌ها را مجازات می‌کرد (Bertman, 2003: 126). خدای خورشید در میان‌رودان خدای غیب‌آموزی و پیشوای پیشگویان است و این خویشکاری با جهان مردگان ارتباط دارد (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۴۷). ایشتر به‌عنوان الهه جنگ سوار بر ارابه است (هال، ۱۳۸۳: ۱۸۰). این ایزدان نظم‌دهنده و برکت‌بخشنده به زندگی مردم میان‌رودان بودند (بهار، ۱۳۸۷: ۴۰۷) و این خدایان سه خویشکاری شاه را نشان می‌دهند: شاه جنگاور، شاه زندگی‌بخش و شاه عادل. درحقیقت شاه و سپاهیان که با ارابه در حرکت و جنگ بودند، با این عمل دشمنان را نابود می‌کردند و امنیت را برای مردم فراهم می‌نمودند؛ بنابراین چون خورشید برای مردم زندگی‌بخش پنداشته می‌شدند و به این علت که آنان دشمنان را به سزای عمل‌شان می‌رساندند، نمادی از برپایی عدالت شدند (سلیم، ۱۳۹۰: ۱۸۸).

ارتباطات جنگی آشوریان با هوری‌ها و میتانی‌ها بر پیشرفت نظامی آن‌ها به ویژه استفاده بیش از پیش از ارابه‌های جنگی در طبقه شهروندان، روحانیون و اشراف زمین‌دار اثر داشت (Kuiper, 2010: 85). سرزمین آشور موقعیت سوق‌الجیشی داشت و از آغاز با نواحی مختلف برای بدست آوردن مواد خام تجارت می‌کرد و در سرزمین هیتی‌ها مستعمره‌ای به نام کادش تأسیس کرده بودند (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۴۶) و این موضوع علاوه بر تأثیر پذیری از ارابه‌رانی هیتی‌ها، اقتصاد آن‌ها را قوی کرد تا سرمایه لازم را به ارتش برای تأمین تسلیحات تزریق کنند (موسوی، ۱۳۸۳: ۱۰۴). بنابراین آن‌ها توانستند، هزینه‌های لازم برای ارابه‌رانی را پرداخت کنند. اولین تصویر ارابه از دوره آشور نقش ارابه بر مهر استوانه نینورتا توکولتی



کارکرد ارابه در ایران دوره هخامنشی، ... (زینب خسروی و دیگران) ۷۱

آشور (حدود ۱۱۳۳ پ.م) است؛ اما مهمترین شواهد باستان‌شناسی درباره ارابه‌های آشوری نقش برجسته‌های کاخ آشوربانیپال اول (۸۸۳-۸۵۹ پ.م) است (Dezs, 2012:56). ارابه‌های جنگی آشوری در قرن هشتم پ.م چهار نفر را حمل می‌کرد، یک ارابه‌ران، دو کماندار و یک محافظ که حامل سپر بود، به تدریج سوارکارهای سریع‌تر و با مانور بیشتر جای ارابه‌ها را گرفتند (McIntosh, 2005:194). در نقش برجسته کاخ شمال غربی آشورنصیرپال دوم در نمرود، ارابه‌های جنگی آشوری تصویر شده‌است و کمانداران در حالی که ارابه حرکت می‌کند، در حال پرتاب تیر هستند، تصویر جالب در این ارابه‌ها دیرکی است که بر بالای آن نماد خدای آشور نصب شده‌است (Kuiper, 2010:28). در حقیقت خدای آشور، خدای جنگجویی است که از فعالیت‌های آشوریان بر ارابه حمایت می‌کند. آشوریان ارابه را مهم‌ترین وسیله در اهداف نظامی خود یافتند. جنگ کردن ماهرانه آشوریان بر ارابه، گونه‌ای از توانمندی، قدرت و نیرومندی قهرمانان اساطیری را به آن‌ها می‌داد که آن‌ها را توانا به انجام هر نوع عمل و فعالیتی می‌کرد (اطهریان مریان، ۱۰۵:۳۷۸). ارابه در نقش برجسته‌های آشوری نمایش عمومی پیروزی شاهنشاهی را القا می‌کرد (Weippert et al, 2003:71).



شکل ۱. صحنه جنگ از کاخ شمال غربی آشورنصیر پال دوم  
(Winter, 2003:58)



شکل ۲. نقش برجسته آشوربانیپال دوم از نمرود  
(Winter, 2003:Fig3)

علاوه بر جنگ از این ارابه‌ها برای شکار حیوانات مختلف مانند شیر و گاو استفاده می‌کردند (Kuiper,2010:232). در حقیقت ارابه‌رانی نوعی کاربری تفریحی، ورزشی و سرگرمی هم یافت. آرتور کوترل (Arthur Cotterell) نقش برجسته آشور بانیپال (۶۶۸-۶۲۷ پ.م) از شهر نینوا را حرکت ورزشی می‌داند، در این اثر پادشاه سوار بر ارابه است و از کمانش تیری را به سمت شیری پرتاب می‌کند؛ در حالی که دو نگهبان نیز شیری را که از عقب به ارابه حمله کرده، دور می‌کنند و نگهبانی دیگر شیری را از قفس آزاد می‌کند (Nardo,2009:270). در این نقش برجسته هر عنصر کننده‌کاری، قدرت و حرکت را منتقل می‌کنند (Wallenfels & Sasson,2000:46). تیراندازی از مسافت دور و از روی ارابه امن‌ترین روش برای شکار حیوانات وحشی بوده‌است (Pinches,1912:294). آشورنصیرپال دوم فعالیت‌های ورزشی خود را که تعقیب دشمن و حیوانات است به خدای خود آشور نسبت می‌دهد (Ibid:205). شکار با ارابه، ورزش طبقه اشراف بوده و گونه‌ای از کاریزما برای آن‌ها فراهم می‌کرده است. ارابه‌رانی به عنوان تفریح باعث اعتدال روانی در اشراف می‌شد (مظلومی، ۱۳۸۷:۲۵۰). بدین ترتیب ارابه در نبرد، قشریندی اجتماعی، فراقنی اعمال نظامیان به جهان خدایان و فراهم کردن مشروعیت و قدرت برای آنان و نهایتاً شکل دهی به برخی از فعالیت‌های تفریحی طبقه حاکم تأثیر زیادی در عصر باستان تمدن میان‌رودان داشته‌است.

### کارکرد ارابه در ایران دوره هخامنشی، ... (زینب خسروی و دیگران) ۷۳



شکل ۳. نمایه دورانی کارکردهای ارابه رانی در ساختار اجتماعی میان رودان باستان (منبع: نگارندگان)

### ۴. جایگاه اجتماعی ارابه رانی در یونان باستان

به طور کل ارابه نقش اندک اما زیبایی در تاریخ یونان ایفا می کند، شواهد باستان شناسی مانند سنگ گورها و نقاشی دیواری و متن لوح های خطی B که فهرست موجودی ارابه ها را ثبت کرده اند، نشان می دهند؛ پادشاهان تمدن میسن (Mycenae) حدود ۱۶۰۰-۱۲۰۰ پ.م از ارابه استفاده می کردند. ارابه های این دوره را دو اسب می کشید و در هنگام نبرد علاوه بر

راننده یک سرباز مسلح نیز در آن می‌ایستاد. هرچند ارابه برای نبرد و ورزش در دشت‌های یونان به خوبی عمل می‌کرد اما کاربرد آن در زمین‌های تپه‌ای یونان محدود بود. دانشمندان معتقدند: میسنی‌ها اختراع ارابه را از ارتش‌های خاور نزدیک هیتی و مصری اقتباس کرده‌اند (Sack, Murray & Brody, 2014:54). اشراف و نجیب‌زادگان میسنی در جنگ به ارابه متکی بودند. یکی از این موارد نبرد میسن و پیلوس (Pylos) است؛ البته ارابه‌ها به شیوه جنگ شرقی عمل می‌کرده‌اند (Scanlon, 2003:32). در یونان باستان کاربرد ارابه در جنگ از قرن هفتم پ.م منسوخ شد (Sweet, 1978:92)؛ اما جنبه‌های آیینی، رقابتی و تفریحی ارابه به تدریج پدیدار شد.

اولین اثر درباره مسابقه ارابه بر آمفوریایی از شهر تیرینس (Tiryns) از جنوب یونان متعلق به دوره میسن ۱۳۰۰ پ.م است. در منابع بعدی مسابقه ارابه‌رانی همراه با مراسم تشیع جنازه ظاهر می‌شود. مسابقه ارابه‌رانی، در کتاب بیست و سوم ایلید اثر هومر به عنوان باشکوه‌ترین رویداد ورزشی در بازی‌های تشیع جنازه به احترام پاتروکلوس دوست آشیل که توسط هکتور قهرمان تروا کشته شد توصیف شده است (Levinson & Christensen, 1999:75). بر گلدان فرانسوا حدود ۵۷۵ پ.م مسابقه ارابه‌رانی مراسم تشیع جنازه پاتروکلوس نقش شده، در پس زمینه این تصویر، سه پایه‌ای به عنوان جایزه ترسیم شده است (Sansone, 1992:88). مسابقه ارابه‌رانی پیش از خاکسپاری پاتروکلوس معروف‌ترین مسابقه ورزشی در متون حماسی است که عموماً خانواده سلطنتی در این مسابقه شرکت داشتند (Daqing, 2007:68). مسابقه ارابه‌رانی در مراسم تشیع جنازه قهرمان، نمادی از آخرین و ماندگارترین افتخار برای کل زندگی قهرمان در گذشته است. این مسابقه تمثیلی از زندگی است که پایان آن، تدفین پرشکوه و یادبودی برای قهرمان در گذشته می‌باشد که نوعی هدیه برای او به شمار می‌آید و به ارابه‌ران نیز هدایایی داده می‌شود. مسابقه ارابه‌رانی زندگی انسان را به عنوان جستجوی برای عزت به تصویر می‌کشد و به حاکم جامعه راهنمایی می‌کند که چگونه می‌تواند در بهبود زندگی انسان سهیم باشد (Carle & Mock, 2015:24). افتخار در یونان باستان یعنی احترام اجتماعی نسبت به کسی داشتن است. آنتی‌ها به عنوان شهروند بسیار تلاش می‌کردند تا شهرت خوب خود را به فرزندان به ارث برسانند (Bitros & Anastassion, 2010:78). عده‌ای از محققان بر این نظر هستند که در ابتدا برگزاری بازی‌های المپیک، به عنوان مراسم تشیع جنازه یک قهرمان بوده است (Crowther, 2007:40). هدف از مسابقه ارابه این است که مشخص شود کدام انسان‌ها توانایی

حرکت دادن سریعتر و ماهرانه‌تر ارابه خود را دارد و بدین ترتیب چه کسی بیشتر برای شهر خود مفید است (Carle & Mock, 2015:28) و دیگران به او افتخار می‌کنند.

در یونان مسابقه ارابه‌رانی سابقه طولانی داشت اما مقامات رسمی این مسابقه را دیرتر به برنامه بازی‌های المپیک اضافه کردند (Crother, 2007:71). در اشعار هومر که احتمالاً در قرن هشت پ.م سروده شده‌است، به بازی‌های المپیک اشاره‌ای نشده‌است. شماری از منابع ادبی بیان می‌کنند که ایزد هراکلس برای بزرگداشت زئوس این بازی‌ها را بنیان نهاد، و دیگر منابع تأسیس بازی‌های المپیک را به پادشاه افسانه‌ای آسیای صغیر، پلوپس (pelops) نسبت می‌دهند که در یک مسابقه ارابه‌رانی مقابل پادشاه محلی اوینومائوس (Oenomaus) از پیزا پیروز شد (Levinson & Christensen, 1999:273). داستان از این قرار بود که اوینومائوس، به شرطی به یکی از خواستگاران دخترش هیپودامیا (Hippodamea) جواب مثبت می‌داد که او را در مسابقه ارابه‌رانی شکست دهد. او ماینومائوس، خواستگاران دخترش را که هر یک شاه یا شاهزادگان مناطق مختلف و دشمن او بودند در مسابقه ارابه‌رانی شکست می‌داد و می‌کشد و همه خواستگاران را از رسیدن به دختر ناامید می‌کرد. هنگامی که پلوپس شاهزاده فریگی (phrygi) به خواستگاری هیپودامیا آمد دختر به او دل باخت. پلوپس که باهوش بود و می‌دانست که چه در انتظارش است، با نقشه‌ای که طرح‌ریزی کرد موفق شد، اوینومائوس را از ارابه پرتاب کند و بکشد. بدین ترتیب پلوپس هم به هیپودامیا و هم به شاهی پیزا دست یافت (Girginov & Parry, 2005:7). چنین اسطوره‌ای نشان می‌دهد قدرت و سرعت فیزیکی بهترین معیار برای همسر مناسب بوده است (Dunning & Rojek, 1992:267).

از قرن هفتم پ.م ارابه‌رانی به مسابقات المپیک محدود گردید و بیشتر با جنبه تفریحی ارتباط یافت. ارابه‌رانی در بازی‌های المپیک به شهروندان ثروتمند اختصاص داشت و بردگان در مسابقه ارابه‌رانی نقش راننده را بازی می‌کردند؛ اما در نهایت جایزه نصیب صاحبان اسب و ارابه می‌شد. بنابراین ارابه نمادی برای قشر بندی اجتماعی در یونان باستان است. در ابتدا تعداد ورزش‌ها و بازی‌های المپیک محدود بود؛ در سال ۶۸۰ پ.م مسابقه ارابه‌رانی چهار اسبه و در سال ۴۰۸ پ.م مسابقه ارابه‌رانی دو اسبه اضافه شدند. مسابقه ارابه‌رانی چهار اسبه گرانترین، معتبرترین و خطرناک‌ترین مسابقه یونان بود. حدود ۲۶۴ پ.م مسابقه ارابه‌رانی با کره اسب نیز به رویدادهای المپیک

اضافه شد. اشراف با افزودن مسابقه ارابه‌رانی به بازی‌های المپیک در صدد بودند تا جایگاه اجتماعی خود را در پیوند زدن با فعالیتی ویژه برای اوقات فراغت ارتقا دهند (Kyle, 2014: 114-122). سه جشنواره مهم ورزشی دیگر در بازی‌های پان‌هلنیک (Panhellenic)، بازی‌های ایسمیان (Isthmian)، نیمیان (Nemean)، فیثیان (Phythian) بودند که در اجرای موسیقی با یکدیگر تفاوت داشتند (Crother, 2007: 50). هیچ جشنواره و مسابقه ورزشی بدون مسابقه ارابه‌رانی کامل نبود و این مسابقه نقطه اوج یک جشنواره ورزشی بود که تا پایان تاریخ یونان باستان حتی به عنوان مسابقه سلطنتی-سرمایه‌ای با توجه به هزینه‌های نگهداری چهار اسب و ارابه باقی ماند (Christensen & Levinson, 1999: 75). ارابه‌های چهار اسبه، یک راننده داشتند. ارابه‌رانی آخرین مسابقه‌ای بود که در بازی‌های المپیک برگزار می‌شد. ده‌ها ارابه مسیر طولانی پیرامون ورزشگاه را دور می‌زدند که تقریباً چهارده کیلومتر مسافت را می‌پیمودند. این مسابقه برای اشراف بود، یکی از این اشراف به نام آلسیادس (Alcibiades) سیاستمدار ثروتمند یونانی در بازی‌های المپیک ۴۱۶ پ.م از هفت ارابه حمایت مالی کرد که سه تای آن‌ها به مقام اول، دوم و چهارم دست‌یافتند (Sacks, Murray & Brody, 2014: 84). آزمایش قدرت و سرعت ماهیت مسابقه ارابه‌رانی است (Dombrowski, 2009: 93). از جمله امتیازات ارابه‌ران پیروز این بود که با ارابه خود وارد شهر می‌شد و از آن می‌گذشت (Golden, 2004: 5). این امتیاز با مفهوم افتخار و تلاشی که هر شهروند برای بدست آوردن آن تلاش می‌کرد ارتباط داشت. مقامات برگزارکننده بازی‌های المپیک برهنگی اجباری ورزشکاران را اعمال کردند؛ اما به ارابه‌ران‌ها و سوارکاران اجازه دادند لباس بپوشند (Kyle, 2014: 114). دیمون برترین ارابه‌ران در تاریخ یونان باستان بود. او از کودکی در مسابقات ارابه‌رانی پیروزی‌هایی بدست آورد و این روند در بزرگسالی او ادامه داشت و از جمله پیروزی‌هایش چهار بار در بازی‌های خدای پوزیدون، چهار بار در جشنواره آتنا، پنج بار در جشنواره ایلوسیس (Eleusis) بوده است. پسر دیمون نیز همانند پدر پیروزی‌های زیادی بدست آورد (Sweet, 1987: 146).

کارکرد ارابه در ایران دوره هخامنشی، ... (زینب خسروی و دیگران) ۷۷



شکل ۴. مسابقه ارابه‌رانی چهار اسب متعلق به قرن شش پ.م موزه لوور (Crother,2007:72)

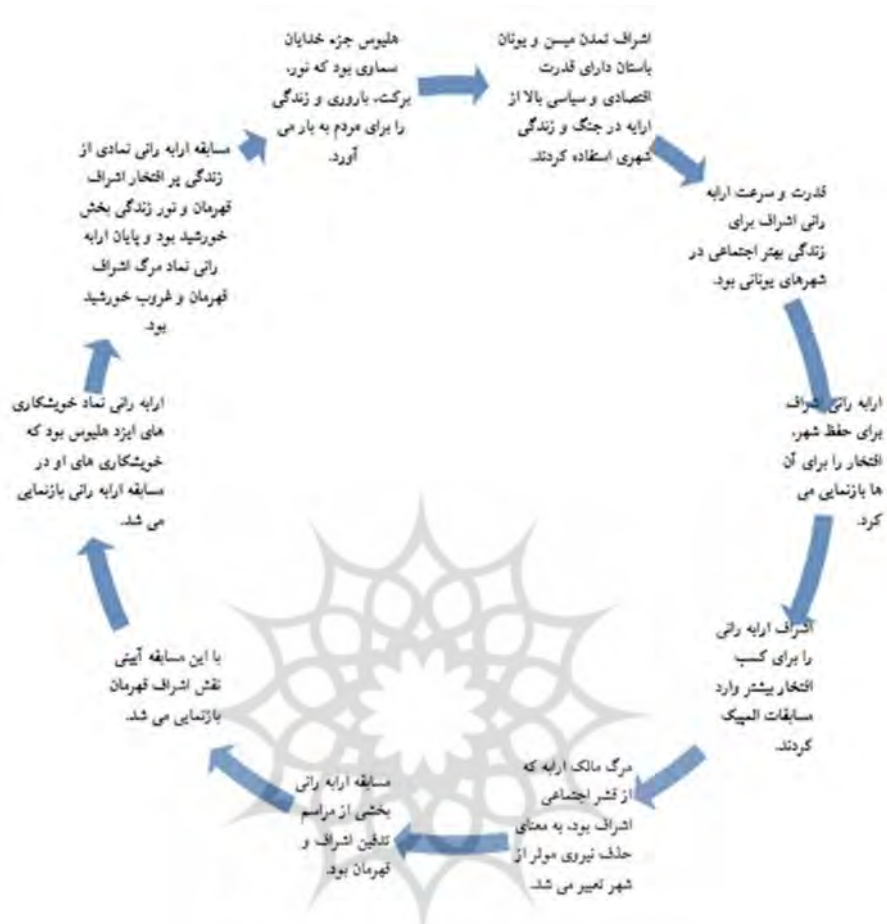


شکل ۵. مسابقه ارابه چهار اسبه ۴۱۰-۴۰۰ پ.م موزه بریتانیایی لندن (Kyle,2014:122)

بعضی از پیروزمندان مسابقه ارابه‌رانی زنان بودند، به طور کل زنان از شرکت و تماشای بازی‌های بزرگی که برای خدای زئوس برپا می‌شد منع بودند. بنابراین آن‌ها جشنواره ورزشی ویژه خود را به افتخار الهه هرا همسر زئوس- شکل دادند و در این جشنواره فقط پیاده‌روی را اجرا می‌کردند (Salisbury,2001:258). آن‌ها به تدریج توانستند در ارابه‌رانی نیز مهارت زیادی بدست آورند. در ابتدا زنان فقط به عنوان صاحبان ارابه می‌توانستند در مسابقه ارابه‌رانی شرکت کنند. اولین مسابقه زن ارابه‌ران که در المپیک ثبت شد، زنی به نام بلیستیچ (Belistiche) است (Bordessa,2006:73). بر اساس نوشته‌هایی بر پایه مجسمه برنزی که در المپیا یافت شده است زنی به نام کینیسکا (Kyniska) از اسپارت در سال ۳۹۶ پ.م برنده مسابقه ارابه‌رانی چهار اسبه می‌شود. کینیسکا در این کتیبه آورده: «پادشاه اسپارت پدران و برادران من هستند. من کینیسکا با ارابه و اسب‌های سریع خود برنده شدم. این مجسمه را برپا کردم. من اعلام می‌کنم که تنها زنی هستم که از کل یونان تاج را بدست می‌گیرم». کینیسکا و افراد بعد از وی پیروزی‌اش را جدی می‌گیرند و آن را یک موفقیت واقعی می‌دانستند. کتیبه فوق نشان می‌دهد که او به پیروزی خود بسیار

افتخار می‌کرد. او در المپیک بعد در سال ۳۹۲ پ.م بار دیگر در مسابقهٔ ارابه‌رانی پیروز می‌شود و اسپارتی‌ها مجسمه دیگری به احترام وی در اسپارت بر پا می‌کنند. سه دهه بعد از پیروزی کینیسکا زن دیگری به نام ائوریلونیس (Euryleonis) برندهٔ بازی‌های ارابه‌رانی دو اسبه می‌شود و مجسمه او نیز در اسپارت بر پا می‌شود (Young, 2008: 116-114). در کتاب ایلید نوشتهٔ هومر آمده است: پیروزی یا شکست ورزشکار به اراده خدایان است. در میان خدایان آتنا به ارابه‌ران پیروز کمک می‌کند (Levinson & Christensen, 1999: 317). بنابراین فعالیت ارابه‌رانی به جهان خدایان نیز فرافکنی می‌شود. هلیوس خدای خورشید در اساطیر یونان به شکل جوانی زیبا و برومند تصور می‌شد که اطراف او را اشعه به صورت گیسوان زرین فراگرفته بود. هلیوس با ارابه درخشان خود سراسر آسمان را درمی‌نوردد. این ارابهٔ چهار اسبه با سرعت عجیبی حرکت می‌کند و نام اسب‌های آن، آسون (Aethon)، ائوس (Eoos)، فیرویس (Pyrois)، فلگون (Phlegon)، به معنی نور و روشنایی است (شیری، ۱۳۸۷: ۱۱۷). خدای خورشید نماد قهرمان ارابه‌رانی است که تن و بدن خود را در راه زندگی بهتر در شهر فدا می‌کند و زندگی بخش است؛ با این حال در مضامین اساطیری، هلیوس نماد مرگ هم هست و یک تیتان به حساب می‌آید. هلیوس با غروب کردن با نیروهای ظلمانی و جهان زیرزمینی پیوند می‌یابد. در برگزاری آیین هالیا (Halieia) برای بزرگداشت خدای هلیوس ارابه‌ایی به او تقدیم می‌شود و سپس آن را به دریا می‌اندازند (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۴۸). ارابه نمادی از نور و زندگی هلیوس و انداختن در دریا نماد مرگ و خاموشی است. همانگونه که قهرمان ارابه‌ران با بدنش زندگی و هیجان را نشان می‌دهد و با مرگ سکوت و خاموشی را.





شکل ۶. نمایه دورانی ارباهرانی در ساختار اجتماعی یونان باستان

## ۵. جایگاه اجتماعی ارباهرانی در عصر آهن و دوره هخامنشی

ارباهرانی در ایران باستان با قشر اجتماعی سیاسی - نظامی حاکم بر جامعه که منابع تولید نیز در اختیارشان بود، پیوستگی تام داشته است. شاه ایران در این قشر اجتماعی، بالاترین جایگاه را داشت و بسیاری از خدایان ارباهران نیز خویشکاری‌ها شاه ایران را بازنمایی می‌کرده‌اند. اربابه وسیله کاملاً وارداتی به فرهنگ ایران باستان است. گرچه در فلات ایران پیشینه وسایل چرخ‌دار، برپایه مهر استوانه‌ای از تپه حصار دامغان، حدوداً

به ۲۵۰۰-۲۳۵۰ پ.م باز می‌گردد (Moorey, 1986:201)؛ اما از هزاره دوم و اول پیش از میلاد، فرهنگ هندوایرانی در همه ابعاد از جمله اربانه‌رانی بر فرهنگ فلات ایران تأثیر داشته‌است. در این فرهنگ که یکی از محوطه‌های آن سیتشتا-آرکایم (Sintashta-Arkaim) در جنوب اورال حدود ۲۲۰۰-۱۸۰۰ پ.م است، جنگجویان همراه اربانه به خاک سپرده می‌شدند. این جنگجویان اشراف بودند و احتمالاً تصور می‌شد که اربانه، قهرمان مرده را به دنیای دیگر می‌برد. اربانه‌های این فرهنگ دو نفره بودند که یکی اربانه‌ران و دیگری جنگجو بود که خدایان دوگانه هندوایرانی یعنی خورشید و آتش را یادآوری می‌کردند (Parpola, 2005:116-123). فرهنگ عصر برنز استپ‌ها اوراسیا با نام سیتشتا-پتروفکا تا بخش‌های مرکزی قزاقستان رسید و بعدها عناصر زبانی و اساطیری آن در فرهنگ پروتو ایرانی تدویم یافت. فرهنگ پروتو ایرانی به دو بخش غربی (مادها و پارسیان) و شرقی (سکاها، اوسی‌ها و ساکاها) تقسیم شد (Kuzmina, 2002:303). جالب این است که پراکنده‌شدن سکاها و سیمرها در هزاره اول پ.م در قفقاز، شمال میان‌رودان و نواحی شمال‌غرب و غرب ایران به علت تبحری که در سوارکاری و استفاده از کمان داشتند، عامل اصلی کاهش اربانه در جنگ و مراسم آیینی بود (Parpola, 2005:7).

شواهد باستان‌شناسی خوبی از اربانه در محوطه حسنلو در شمال غرب ایران به دست آمده است. از ساختمان سوخته دوره IV-V مطابق با عصر آهن I (حدود ۱۵۰۰-۱۲۰۰ پ.م) و عصر آهن II (حدود ۱۲۰۰-۸۰۰ پ.م) بقایایی از اربانه‌ایی سوخته یافت شده‌است که این اثر به علت آتش‌سوزی که در دوره حسنلوی IVC حدود ۱۱۰۰ پ.م روی داده به این شکل درآمده‌است و این بقایا بر شواهد تصویری صحه می‌گذارد (ماسکارلا، ۱۳۸۶:۵۸). گرچه اربانه دوره IVC حسنلو کاملاً متلاشی شده است؛ اما بر پایه تصاویر پلاک‌ها از عاج، احتمالاً اربانه اتاقک باریک و تنگ تک نفره داشته که دو اسب آن را می‌کشیدند؛ البته در اربانه مشابه روی ساغر نقره و الکترومی مکشوفه از حسنلو دو مرد در آن ایستاده‌اند (دوشائسی، ۱۳۸۶:۸۳) که یکی اربانه‌ران و دیگری کماندار است (دو شائسی، ۱۳۸۶:۱۲۲). در دوره IVB حدود ۸۰۰ پ.م که بناهای سوخته بازسازی می‌شود، ورودی عریضی برای ساختمان VII ایجاد شده‌بود که به نظر می‌رسد اربانه‌ها از آن تردد می‌کردند و این ساختمان یک گاراژی برای نگهداری اربانه‌ها در قرن نهم پ.م بوده است (دایسون، ۱۳۸۶:۲۳۵). بر جام زرین حسنلو که از دوره IVB بدست آمده، نقش سه اربانه تصویر شده که هر یک به خدایی نسبت داده شده‌اند. از سمت چپ به راست، اولین اربانه را گاوهای نر می‌کشند و از

دهان آن‌ها آب جاری است، این ارابه متعلق به رب‌النوع طوفان است. ارابه‌های دیگر را حیواناتی از خانواده اسب می‌کشند. دومین ارابه با توجه به پرتوهای نور و بال‌هایی که بالای سر ارابه‌ران است، به خدای خورشید تعلق دارد. سومین ارابه، بر اساس نقش شاخ و هلال ماه بالای سر ارابه‌ران، به خدای ماه تعلق دارد (ویتتر، ۱۳۸۶: ۱۸۹). شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد محوطه حسنلو در عصر آهن، مکان اسکان طبقه نخبه نظامی با مهارت کافی و اجرای تاکتیک‌های زر می بوده است (ماسکارلا، ۱۳۸۶: ۵۸) و با توجه به نقش ارابه‌های جام حسنلو که به سه خدا تعلق دارند، ارابه وارد جهان‌بینی این مردم نیز شده بود و برپایه همین نقوش اسطوره‌ای، احتمالاً جام حسنلو یک شی آیینی بوده است.

در عصر آهن II و تاریخ ۱۱۰۰-۸۰۰ پ.م، علاوه بر درگیرهای نظامی امپراتور اورارتو با آشور، هر دو این امپراتوری‌ها در تلاش برای یافتن متحدان، گسترش قلمرو و منابع انرژی برای تداوم امپریالیسم خود بودند. به این ترتیب امپراتوری اورارتو تلاش می‌کرد نواحی شمال غرب ایران را تصرف کند و آشوری‌ها در صدد بودن بر نواحی غرب ایران تسلط یابند. محوطه حسنلو بخشی از روستایی است که با توجه به آثار معماری، تعداد اسکلت اسب و شواهدی از ارابه‌رانی در حکم یک پادگان نظامی در برابر پیشروی امپراتوری اورارتو عمل می‌کرد و برای مقابله با اورارتویی‌ها و مشابه آن‌ها و آشوری‌ها از ارابه‌های جنگی استفاده کردند. محوطه حسنلو اولین مکانی است که سنت استفاده از ارابه در جنگ‌های بزرگ عصر مفرغ امپراتوری هیتی و مصر را با اقتباس از دو امپراتوری بزرگ عصر آهن یعنی اورارتو و آشور وارد فلات ایران نمود. قشر اجتماعی نظامی محوطه حسنلو برای مبارزه در برابر قدرت‌های سلطه‌گر از ارابه استفاده می‌کند و امنیت نسبی و موقتی که آن‌ها برای مردم ناحیه ایجاد می‌کنند، باعث می‌شود تا آن‌ها بر جام حسنلو مانند خدایان سماوی که با نظم دادن به پدیده‌های جوی امنیت البته از نوع معیشتی را ایجاد می‌کنند، بازنمایی شوند.

سه خدای ارابه‌ران جام حسنلو مانند توصیف گزنفون (۳۲۵-۴۳۰ پ.م) است. این توصیفات درباره تشریفات جشن‌های دربار هخامنشی است که در این مراسم، سه ارابه متعلق به اهورامزدا، میترا و آناهیتا همراه با جنگجویان نیزه‌دار و گاوها و اسب‌ها برای قربانی کردن به پرستشگاه آورده می‌شدند و بعد از آن مسابقات اسب‌سواری برگزار می‌شده است. این مراسم به جشن آغاز سال نو (جشن مهرگان) اشاره دارد که در

زمان هخامنشیان در ابتدای پاییز برگزار می‌شد (ادی، ۱۳۹۲:۶۳). ارابه‌های این خدایان نمادی از خویشکاری شاه میلپتاریز است. شاه در ایران توسط قدرت سپاهیان روی کار می‌آمد و با قوه قهریه حکومت را اداره می‌کرد (سلیم، ۱۳۹۰:۱۸۸). از همین روست که داریوش اول برای تبلیغ مهارت‌های جنگی خود در کتیبه‌اش در نقش‌رستم می‌گوید: «ورزیده هستم، چه با هر دو دست، چه با هر دو پا، هنگام سواری خوب سواری هستم. هنگام کشیدن کمان، چه پیاده، چه سواره خوب کمان‌کشی هستم. هنگام نیزه‌زنی، چه پیاده و چه سواره، خوب نیزه‌زنی هستم» (Kent, 1953:138).

در هیچ دوره‌ای از ایران باستان به اندازه دوره هخامنشی ارابه و ارابه‌رانی رایج نبوده است. از مهمترین آثار باستانی در این باره ارابه طلایی گنجینه جیحون است. چرخ‌های این ارابه هشت پره دارد و توسط چهار اسب کشیده می‌شود و مانند ارابه‌های جنگی سایر تمدن‌ها دو سرنشین یکی برای ارابه‌رانی و دیگری برای تیراندازی با کمان و یا جنگ با نیزه در آن جای دارند. در دوره هخامنشی فقط از ارابه برای جنگ استفاده نمی‌شد؛ بلکه شاهان از ارابه برای تفریح و شکار هم بهره می‌بردند، مهمترین اثر باستانی در این باره مهر استوانه‌ای داریوش اول با صحنه شکار شیر است (موسوی، ۱۳۹۰:۱۸۵) مهرهای گوردیون (Gordion) نیز نقش ارابه با صحنه‌های شکار را بازنمایی کرده‌اند (Dusinberre, 2010:33). تصویر ارابه مهر استوانه‌ای داریوش اول، کاملاً شبیه ارابه گنجینه جیحون، چرخ‌های هشت‌پره و دو سرنشین دارد؛ اما این ارابه دو اسبه است. یکی دیگر از آثار مهم ارابه‌رانی، نقاشی سیاه رنگ روی زمینه کرم و سفید، بر دیوار اتاق ۲۵ دهانه غلامان است. در این نقاشی مردی ایستاده بر ارابه کمانی در دست دارد و در حال تیراندازی به حیوانی احتمالاً گراز وحشی است (Sajjadi, 2007:146). از دیگر شواهد باستان‌شناسی می‌توان به نقش برجسته کاخ آپادانای تخت جمشید اشاره کرد که دو نیم شده بود و نیمی از آن در موزه بریتانیا و نیم دیگر آن در موزه میهو (Miho) در ژاپن نگهداری می‌شود. قسمت جلویی ارابه با نیم تنه بالایی اسب‌ها و ارابه‌ران در موزه بریتانیا است، قسمت پایین نقش برجسته که پاهای اسب و و چرخ ارابه است در موزه میهو ژاپن نگهداری می‌شود (Curtis, 1998:45).

به نقل از گزنفون مهمترین نوع ارابه در امپراتوری هخامنشی، ارابه‌های داس‌دار است. کاربرد این ارابه‌ها در جنگ بود. نخستین بار در نبرد کوناکسا از ارابه‌های داس‌دار

کارکرد ارابه در ایران دوره هخامنشی، ... (زینب خسروی و دیگران) ۸۳

یاد می‌شود. با این حال تعداد کمی در این جنگ با این ارابه‌ها آسیب دیدند (Xenophon, Book4:15). در حقیقت پارس‌ها برای افزایش مرگباری ارابه‌های بابلی و آشوری پره‌های داس مانند را به لبه‌های چرخ‌ها متصل کردند تا نیروهای دشمن را ریزیز کنند (Bertman,2003:226). داریوش سوم بار دیگر در جنگ گوگمل برای نبرد با اسکندر از ارابه‌های داس دار استفاده می‌کند؛ اما دیگر این ارابه‌ها در جنگ اثرگذار نبودند (Chrissanthos,2008:85). تحول تکنولوژی در ساخت ارابه در دوره هخامنشی، منتج به ساخت ارابه‌های داس دار می‌شود که در راستای اهداف نظامی بوده است.



شکل ۷. نقش مهر استوانه‌ای از جنس عقیق با نام داریوش (موسوی، ۱۳۹۰:۱۸۵)



شکل ۸. نقش برجسته ارابه‌ران از کاخ آپادانای تخت جمشید از موزه میهو و بریتانیا (Curtis,1998:46)

کاربرد ارابه در فرهنگ ایرانی را می‌توان در تحول واژگانی آن دید. در زبان اوستا رتّه ایشتر به معنی «ایستاده بر گردونه»، در زبان فارسی میانه یا پهلوی ساسانی به ارتشتار به معنی «جنگجو» تحول یافت و سپس در دوره فارسی نو به واژه ارتش متحول شد (Nyberg,1976:30). در کتاب اوستای جدید چهار گروه اجتماعی آثرون (نگهدارنده آتش)، رتّه ایشتر (ایستاده بر گردونه)، واستر یوفشوینت (چوپان) و چهارم پیشه‌ور نام برده

شده است. زرتشت نخستین فردی که در هر چهار گروه جای دارد (نیبرگ، ۱۳۸۳: ۹۴). در فرهنگ ایران باستان ارابه نشانه‌ای برای طبقه نظامی بود.

در اساطیر ایران ایزدان بسیاری مانند سروش، مهر، آناهیتا سوار بر ارابه تصور شده‌اند. سروش با ارابه چهار اسبه، دشمنان را هر جا که باشند دستگیر می‌کند (عیسوی، محرم‌زاده، محمدزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۷). میترا جنگجوی توانایی است و در ارابه‌اش اسلحه دارد. میترا بر صلح و جنگ کشورها نظارت دارد. آشی ایزد باروری مانند آناهیتا سوار بر ارابه است (Malandra, 1983: 74 & 133). به این ترتیب ارابه از جهان زمینی به جهان خدایان هم وارد می‌شود. خدای مهر به معنی پیمان یک مفهوم اجتماعی داشت (فرای، ۱۳۸۶: ۳۳)، این مفهوم اجتماعی به منظور پیمان افراد برای اتحاد در برابر دشمن بود. مقابله با دشمنان به تمام ابعاد فرهنگ ایرانی و نهادها شکل می‌داد (دهقان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۳) و ایزد مهر به عنوان یک مفهوم اجتماعی، نماد مبارزه نظامیان با دشمنان و نیروی تاریکی است. ایزد مهر پیشاپیش خورشید حرکت می‌کند و در دوزخ به داوری روان درگذشتگان مشغول می‌شود (هینلز، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

ارابه در فرهنگ ایرانی نمادی از جنگ‌آوری است. با این وجود از پایان دوره هخامنشی تا دوره ساسانی شواهد باستان‌شناسی از ارابه دیده نمی‌شود و علت اصلی آن ورود پارتی‌ها به ایران است که با مهارت سوارکاری، تیراندازی با کمان و قیقاج، تاکتیک کارآمدی برای جنگ را وارد فلات ایران کردند. در دوره ساسانی نیمه اول قرن هفتم میلادی ارابه‌هایی به‌عنوان غنیمت در جنگ با رومیان وارد شهر انطاکیه شد، که برای شاه ساسانی کاربردی جز سرگرمی و تفریح نداشت (Chiang, 2015: 175).



شکل ۹. منبع دورانی ارابه رانی در ساختار اجتماعی امپراتوری هخامنشی (منبع: نگارندگان)

## ۶. مطالعه تطبیقی جایگاه اجتماعی ارابه رانی در میان رودان، یونان و ایران باستان (دوره هخامنشی)

نمی توان در مورد اشاعه و گسترش ارابه از فرهنگ هندواروپایی و هندوایرانی به سایر مناطق دنیای باستان در هزاره سوم و دوم پ.م نظری داد؛ زیرا با توجه به شواهد

باستان‌شناسی به نظر می‌رسد که ساخت چرخ و سپس ارابه در سه تمدن میان‌رودان، یونان و ایران در همان بافت جغرافیایی و فرهنگی این مناطق روی داده باشد. با این حال نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که رگه‌هایی از اساطیر هندواروپایی بر اساطیر این سه تمدن در مورد ارتباط بعضی از خدایان با ارابه اثر داشته است. از طرف دیگر جنگ‌های هیتی‌ها با فراعنه مصر در عصر برنز نیز در نوع کاربرد رزمی و نظامی این وسیله اثرگذار بوده است. بنابراین در این جا با سه جریان فرهنگی رو به رو هستیم که بر کاربری اجتماعی ارابه بر تمدن‌های مذکور موثر بوده است. یکی بافت جغرافیایی و فرهنگی هرسه تمدن و دیگر فرهنگ هندوایرانی که در گستره وسیعی از نواحی مرکزی اروپا تا دریاچه آرال پراکنده شد و در نهایت جنگ‌های کشورهای قدرتمند خاورمیانه مانند هیتی و مصر.

در میان‌رودان باستان که ارتباط بیشتری با دو تمدن هیتی و مصر داشت؛ از ارابه خیلی زود برای کاربری نظامی استفاده کردند. در اواخر دوره سومر در سنگ یادمان کرکس‌ها که پیروزی آنتوم پادشاه لاگاش نقش شده است ارابه ماشین جنگی این پادشاه است. دشت‌های فراخ میان‌رودان استفاده از ارابه را سهل می‌کرد. از اواخر دوره سومر که بین دولت‌شهرها درگیری سیاسی در قالب جنگ بوجود آمد (کرافورد، ۱۳۸۷:۳۵)، ارابه وسیله‌ای کارآمدی بود و همه مهارت‌های جسمانی و سلاح‌ها در جهت استفاده از ارابه پرورش داده و ساخته می‌شدند. در یونان باستان از دوره میسن از ارابه در جنگ استفاده می‌کردند که احتمال دارد آن‌ها نیز متأثر از فرهنگ هیتی بودند، با این حال سرزمین خشک و کوهستانی یونان که مساحت کمی دارد (ناردو، ۱۳۹۲:۱۳)، به نظر نمی‌رسد که فضای مناسبی برای ارابه‌رانی در جنگ را فراهم نماید. فضا محدودیت‌هایی را برای فعالیت‌های حرکتی انسان اعمال می‌کند (Bale, 2002:11). بنابراین احتمالاً از ارابه در جنگ‌های یونان باستان و حتی در روایت کتاب ایلیاد و اودیسه هومر برای حمل افراد و سلاح استفاده می‌شده است تا برای نبرد. اگر هم ارابه برای نبرد استفاده می‌شده، کاربرد آن خیلی گسترده نبوده است. برخلاف میان‌رودان و تمدن میسن، ارابه‌رانی در ایران اقتباسی از نبردهای دو امپراتور عصر آهن یعنی اورارتو در آناتولی و آشور نو در میان‌رودان بود که بسیار از ارابه در لشکرکشی خود استفاده می‌کردند.



در تمدن میان‌رودان ارابه فقط به حوزه جنگ محدود نشد و صاحبان قدرت نظامی که ارابه را در دست داشتند برای آنکه نزد مردم مشروعیت داشته باشند و در نهایت احترام و اطاعت مردم را نسبت به خود برانگیزانند، جهان مثالی را مطابق آنچه بر زمین روی داد سامان دادند و خدایانی مانند ایشتر (خدای جنگ، باروری و ستاره زهره)، نین‌گیرسو (خدای جنگ) و اوتو (خدای خورشید و عدالت) بر ارابه سوار بودند. این خدایان سه خویشکاری شاه را نشان می‌دادند: شاه جنگاور، شاه زندگی‌بخش و شاه عادل. در یونان باستان مالکیت اسب و ارابه به ثروت نیاز داشت و فقط قشر اجتماعی اشراف می‌توانستند آن‌ها را تأمین کنند و این موضوع در ارابه‌رانی حتی از راننده ماهر آن نیز مهم‌تر بود، ارابه‌ران‌ها دست‌نشانده اشراف بودند و با حمایت آن‌ها راننده ارابه می‌شدند. شهروندان، اشراف صاحب ارابه را افرادی شایسته، دارای کاریزما و اعتبار اجتماعی می‌دانستند. در ایران باستان ارابه توسط قشر اجتماعی نظامی وارد ایران شد. ایران از اواخر عصر آهن همواره مورد حمله و تجاوز دشمنان بوده‌است. بنابراین نظامیانی که از ایران دفاع می‌کردند، برای مردم امنیت را و برای خودشان قدرت و مشروعیت را به بار می‌آوردند. نظامیان بالاترین قشر اجتماعی بودند و شاه از میان آن‌ها انتخاب می‌شد؛ بنابراین یک ساختار مدنی گسترده زیربنای حکومتی او را شکل نمی‌داد (سلیم، ۱۳۹۰: ۱۸۸).

در میان این سه تمدن، امپراتوری آشور از ارابه جنگی بیشترین استفاده را کرده‌است. آشوریان درصدد دست‌اندازی به همه مناطق بودند. البته شاه ثروتمند آشور که ثروت نواحی متصرفی را به قلمرو خود سرازیر کرده، از ارابه برای تفریح و سرگرمی نیز بهره می‌برد. او سوار بر ارابه‌های دو چرخه با مهارت در تیراندازی با کمان، به شکار شیر می‌رفت. هر چند در گذشته به این فعالیت‌های بدنی ورزش گفته نمی‌شد؛ زیرا چنان با ابعاد چندگانه زندگی در آمیخته بود که چنین نامگذاری بر آن مشکل است، با این حال این فعالیت شاه برای نمایش دادن مهارت و نیروی جسمانی‌اش بوده‌است که با شکار حیوانات، این مهارت و توانایی جسمانی را تقویت می‌کرد. بیشتر پادشاهان خاور نزدیک نیروی بدنی را در راستای مسائل حکومتی نشان می‌دادند (Daqing, 2007: 6810). برخلاف امپراتوری آشور در یونان باستان گاهی ارابه‌ران از عامه مردم بود که با حمایت اشراف بر این کار گمارده می‌شد. در یونان باستان ارابه‌رانی به عنوان مسابقه به طور گسترده برپا می‌شده‌است. این مسابقات به عنوان پدیده‌ای فرهنگی-مذهبی در نظر گرفته می‌شدند (Sansone, 1992: 77). تمدن یونان بیش از هر پدیده و امری بر توانایی ذهنی و جسمانی

افرادش بنا شده بود و همه افتخارات انسانی در جامعه یونان از این راه بدست می‌آمد و به نسل بعد نیز منتقل می‌شد. بنابراین رقابت و مسابقه در مرکز زندگی اجتماعی یونانیان باستان بود. همه این مسابقات ورزشی به یکی از ایزدان یونان تعلق داشت (Danqing,2007:6808). یونانیان برای ساختن انسان شایسته با برگزاری این مسابقات تلاش می‌کردند تا انسان را به خدا شبیه کنند (اوتو، ۱۳۹۶:۸۳). انسان دانا و توانای یونان که مهارت‌هایش را برای ارتقای شهرش فدا می‌کرد بعد از مرگ از یاد نمی‌رفت بلکه خود به‌عنوان سمبل قهرمان و خداگونه‌گی تبدیل می‌شد که برایش مجسمه و سنگ یادبود می‌ساختند (Bitros & Anastassios,2010:72). رقابت‌های اراهه‌رانی در یونان از آغاز برای افتخار قهرمان برگزار می‌شد. خدای هلیوس (خورشید) نمود اسطوره‌ای اراهه‌ران بود، خورشید با حرکت خود روز و شب را پدید می‌آورد، اراهه‌ران نیز با حرکت سریع، حس هیجان و زندگی را در خود و دیگران تحریک می‌کرد و چرخ‌های اراهه مانند خورشید می‌چرخید. اراهه‌رانی نمودی از زندگی سراسر افتخار و خداگونه شدن قهرمان است و در پایان مسابقه اراهه‌رانی برای بدرقه قهرمان در گذشته به جهان دیگر برگزار می‌شد. قهرمان خداگونه شده مانند اراهه که از حرکت بازمی‌ایستاد و خورشید که با حرکتش روز را به شب بدل می‌کند به جهان دیگر سفر می‌کرد. بازنمایی اراهه در آیین تدفین برای اولین بار در فرهنگ هندواروپایی سیتشتال-آرکایم در جنوب اورال حدود ۲۲۰۰-۱۸۰۰ پ.م دیده می‌شود، اراهه‌ها به همراه اشراف در گور تدفین می‌شدند. در فرهنگ هندواروپایی، اراهه احتمالاً از آغاز پدیدارشدنش با مراسم تدفین پیوند داشته است و البته استفاده از اراهه قدرت مردم سیتشتال-پتروفکا را افزایش داد و توانستند موقعیت‌های استراتژیک در مسیرهای مهم تجاری را تصرف کنند و دروازه اورنبورگ (Orenburg) مکانی بین اروپا و استپ‌ها را کنترل نمایند (Anthony,1995:563). این نشان می‌دهد که سنت تدفین اراهه از فرهنگ هندواروپایی وارد فرهنگ یونان باستان شده است؛ اما در این فرهنگ به گونه مسابقه اراهه‌رانی در مراسم تدفین قهرمان در گذشته و بدرقه او به جهان دیگر و نمودی از زندگی پرافتخار وی بازنمایی شده است. در آغاز، این مسابقه آیینی-یادبودی جایی در مسابقات پنجگانه المپیک که شامل پرتاب دیسک، پرش ارتفاع، پرتاب نیزه، دو و کشتی بود، نداشت (Girginov & Parry,2005:26). با این حال هیچ یک از این ورزش‌ها هیجان و لذتی به اندازه اراهه‌رانی نداشتند که دو اسب یا چهار اسب تنومند به‌سرعت می‌دویدند و با اراهه دیگر رقابت می‌کردند. سرعت و رقابت گاهی باعث تصادف

چند ارابه می‌شد، به طوری که در بازی‌های دلفی (۴۳۲ پ.م) چهل ارابه با هم تصادف کردند (Sweet, 1987:92). تفریح و سرگرمی نوعی اعتدال روانی برای مردم ایجاد می‌کرد. همه این موارد باعث شد که اشراف سرانجام ارابه‌رانی را وارد بازی‌های المپیک کنند و مردم بازی‌های پنجگانه المپیک را دنبال می‌کردند تا سرانجام به تماشای رقابت هیجان‌انگیز ارابه‌رانی بنشینند. در نهایت زنان نیز مسابقات ارابه‌رانی را برگزار کردند، پدیده‌ای که در تاریخ تمدن جهان بی‌سابقه است. گرچه در تمدن یونان زنان نیز ورزش، بازی و رقابت انجام می‌دادند؛ اما مردان به این فعالیت‌ها بیشتر و قوی‌تر می‌پرداختند و این بر اساس پدیده بیولوژیکی است (Daqing, 2007:6810).

در ایران باستان ارابه‌رانی با قشر اجتماعی نظامی ارتباط داشت و از دوره هخامنشی استفاده از ارابه در جنگ افزایش یافت. هخامنشیان که با تسلط بر قلمرو حکمرانی امپراتوری‌های اورارتو و آشور و ام‌دار و وارث سنت‌ها و فرهنگ آنان بودند، با ابداع ارابه‌های داس‌دار، کارایی ارابه در جنگ را افزایش دادند. هر چند با توجه به منابع مکتوب نمی‌توان کاربری گسترده‌ای برای آن‌ها در نظر گرفت. احتمالاً شاه هخامنشی مانند پادشاه آشور از ارابه برای تفریح و سرگرمی بهره می‌برد؛ مهر داریوش که در حال شکار شیر است کاملاً یادآور نقش برجسته آشوربانیپال دوم در قصر نمرود است. از این دوره هیچ شواهد باستان‌شناختی و نوشتاری درباره وجود مسابقه یا رقابت ارابه‌رانی بدست نیامده است. با این همه ارابه در اساطیر ایران باستان، بیش از میان‌رودان و یونان با جهان مثالی ارتباط داشت. بدین ترتیب در جشن مهرگان ارابه‌های اهورامزدا، مهر و آناهیتا که خدایان سه‌گانه دوران متأخر امپراتوری هخامنشی هستند (بهار، ۱۳۸۴:۴۶)، وارد می‌شدند. هر سه این خدایان جزو خدایان سماوی‌اند. اهورامزدا خدای آسمان است، مهر با خورشید پیوند دارد و آناهیتا خدای ستاره زهره است.

در گذشته که انسان بر مبنای هوش، حس و تخیل رفتار می‌کرد، بسیاری از امور و پدیده‌ها را با حوزه قدسی ارتباط می‌داد، ارابه و فعالیت‌های مرتبط با آن نیز قدسی محسوب می‌شدند (الیاده، ۱۳۸۹:۳۳). ایزدانی چون مهر، سروش، آناهیتا و آشی بر ارابه سوار هستند و مهر با ارابه خود آسمان‌ها را در می‌نوردند. مهر که با خورشید ارتباط دارد و آناهیتا که با ستاره زهره یکی است خویشکاری خدایان آسمان را دارند و اهورامزدا مانند دئوس هندواروپایی و زئوس یونانی خدای آسمان است. در میان‌رودان شمش

(خدای خورشید) و ایشتر (خدای ستاره زهره)، در یونان هلیوس (خدای خورشید) و میترا و اناهیتای ایرانی و ارابه‌های سه ایزد طوفان، خورشید و ماه بر جام طلائی حسنلو همه تجلیات خدای آسمان هستند. ارتباط خدایان سماوی این سه تمدن با ارابه ریشه در فرهنگ هند و اروپایی و هندوایرانی دارد. خدای آسمان هندواروپایی دئوس (Dyaus) است که در ابتدا پدیده‌های جوی را ضبط می‌کرد و ابزار اصلی آن صاعقه بود؛ با گذر زمان بسیاری از خویشکاری خدای آسمان مانند پدیده‌های جوی، باران، طوفان و باروری و جنگاوری به خدایان دیگر تخصص یافته و خدایان آسمان مانند اهورامزدا با حفظ منزلت پادشاهی‌اش به خدای روز، منفعل و نرم‌خو بدل شده‌است (الیاده، ۱۳۸۹: ۸۰). قداست خدای آسمان هندوآریایی جایگزین آسمان و پدیده روز می‌شود. خدای آسمان نمادی از شاه است که هردو، با نگهداری از قوانین طبیعت، ضامن نظم و باروری طبیعت هستند. اهورامزدا هم ساختار آسمانی را بازنمایی می‌کند (الیاده، ۱۳۸۹: ۸۴). خورشید در روز و آتش و ماه در شب خویشکاری‌های خدای آسمان را بر عهده می‌گیرند. در اساطیر هندواروپایی خورشید روشن‌کننده روز و ماه و آتش به مثابه خورشید شب در اطراف کوهی در مرکز جهان می‌چرخند و نمود عینی فعالیت آن‌ها ارابه است. اسطوره‌های مربوط به ارابه از اقوام پروتو آریایی که در میانه ولگا و اواسط اورال می‌زیستند، به پروتو یونانی‌ها و پروتو ایرانی گسترش یافت (Parpola, 2005: 54-55). در بارو تخت جمشید ۲۲ مهر با نقش ارابه کشف شده است اما چرخ که یخشی از ارابه است به روشنی جدا از آن تصویر شده‌است. در بسیاری از تفسیرها این چرخ‌ها سمبلی برای خورشید در نظر گرفته شده‌اند (Root, 1999: 176). خورشید در هنگام غروب نمی‌مرد، بلکه از جهان مردگان می‌گذشت، بر این اساس خورشید در اساطیر کارویژه دوگانه داشت (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۴۲). شمش، هلیوس و مهر با جهان مردگان ارتباط داشتند. به این ترتیب مشخص است که اساطیر هندواروپایی بر اساطیر میان‌رودان، یونان و ایران در پیوند خدایان سماوی (شمش و ایشتر، هلیوس، مهر و اناهیتا) با ارابه اثر گذاشته است.

## کارکرد ارابه در ایران دوره هخامنشی، ... (زینب خسروی و دیگران) ۹۱



شکل ۱۰. نمایه تطبیقی کارکرد اجتماعی ارابه‌رانی در سه تمدن میان‌رودان، یونان و ایران باستان (دوره هخامنشی) (منبع: نگارندگان)

## ۷. نتیجه‌گیری

شواهد باستان‌شناسی آشکار می‌کند که وسایل چرخ‌دار در میان‌رودان باستان از هزاره چهارم پ.م، در ایران باستان از هزاره سوم پ.م و در یونان باستان از هزاره دوم پ.م اختراع و ابداع شده بود. با این حال نوع کاربری آن در جامعه از عناصر فرهنگی و تمدنی هندواروپایی، هیتی، میتانی و مصری تأثیر پذیرفته بود. با آنکه در میان‌رودان باستان از هزاره سوم پ.م ارابه کاربری نظامی داشت؛ اما این روند در دوره آشور و با اقتباس از جنگ‌های گسترده هیتی با فراعنه مصر در عصر برنز و سپس میتانی‌های ساکن در آناتولی

شدت بیشتری یافت. ارابه در میان‌رودان در اختیار طبقه ثروتمند و نظامیان بود. از اواخر دوره سومر که دولت‌شهرهای خودکفا با ساختار اجتماعی مستحکم با یکدیگر وارد رقابت سیاسی در غالب جنگ شدند، نظامیان امنیت را در میان‌رودان با وسایل و ابزارآلاتی مانند ارابه برقرار کردند. از این رو، صاحبان ارابه نزد مردم قدرت و مشروعیت بدست آوردند و صاحب مشاغل بالای اجتماعی شدند. آن‌ها خویشکاری اجتماعی خود را در خویشکاری ایزدان ارابه‌ران مانند شمش یا اوتو، ایستر و نین‌گرسو که معیشت و امنیت مردم را تأمین می‌کردند، بازنمایی نمودند. این بر جنبه مشروعیت آن‌ها افزود. در دوره آشور با سرازیری ثروت مناطق مختلف، ارتش به تسلیحات بهتر و بیشتری مجهز شد. به این ترتیب اوج ارابه‌های جنگی در این دوره بود. شاهان آشور از ارابه برای تفریح، سرگرمی و ورزش نیز بهره می‌بردند.

کاربری‌های اجتماعی ارابه‌رانی امپراتوری آشور بر فرهنگ ایران هم اثر گذاشت. مردم ایران ارابه را برای مقابله با دو امپریسم رقیب آشور و اورارتو وارد ایران کردند. جنگجویان ایرانی بدون ساختار مدنی مستحکم قدرت را به دست گرفتند و با برقراری امنیت دارای قدرت و مشروعیت شدند و خویشکاری نظامی آن‌ها در خویشکاری خدایان ارابه‌ران مهر، آناهیتا، سروش و آشی بازنمایی شد و در جشن سلطنتی مهرگان، ارابه‌های خدایان اهورامزدا، آناهیتا و مهر کارکرد آیینی داشتند و خویشکاری شاه را نمادین می‌نمودند. شاه میلپتاریز هخامنشی مانند پادشاه آشور از ارابه برای تفریح و شکار هم بهره بردند. هخامنشیان با ابداع ارابه‌های داس‌دار بر کارایی ارابه در جنگ افزودند. به طور کل ارابه‌رانی در ایران با قشر اجتماعی نظامی و آیین‌های آن مربوط بوده است.

در دنیای غرب یعنی یونان باستان هم ارابه کاربری جنگی را از تمدن هیتی اقتباس کرد، با این حال این کاربری اصلی ارابه در جامعه یونان نبود. قشر اشراف یونان که هزینه‌های ارابه و اسب را تأمین می‌کردند، به دلیل زندگی راحت‌تر و از طرفی استفاده موثر از ذهن و جسم خود با انجام فعالیت‌های بدنی مانند ارابه‌رانی، شهروند شایسته، دارای افتخار و قهرمان پنداشته می‌شدند. مسابقه ارابه‌رانی با تأثیر از فرهنگ هندواروپایی، در ابتدا در مراسم تدفین اشراف قهرمان اجرا می‌شد، ارابه نمودی از اشراف قهرمان و خویشکاری او به‌عنوان شهروند دارای افتخار بود که مانند خورشید در زندگی می‌درخشید و در هنگام مرگ به جهان مردگان می‌رفت. اشرافی که به دنبال کسب افتخار بیشتر بودند، مسابقه

کارکرد ارابه در ایران دوره هخامنشی، ... (زینب خسروی و دیگران) ۹۳

هیجان‌انگیز ارابه‌رانی را وارد مسابقات المپیک کردند که عامه مردم به عنوان ارابه‌ران در آن شرکت می‌کردند، چندی بعد زنان نیز این مسابقات را اجرا کردند. این برخلاف تمدن میان‌رودان و دوره هخامنشی بود که ارابه‌رانی فقط کاربرد نظامی و سلطه را داشت. خدایان ارابه‌ران هر سه تمدن میان‌رودان، یونان باستان و دوره هخامنشی جزو خدایان سماوی بودند که تحت تأثیر خدای آسمان هندواروپایی ارابه‌ران شده بودند. ارابه نماد خورشید زندگی بخش بود که با جهان زندگان و مردگان ارتباط داشت. شاهان میان‌رودان باستان، نظامیان دوره هخامنشی و شهروند یونانی نیز کارکردهای موثری در زندگی داشتند که سرانجام مانند خورشید غروب می‌کردند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان پدیدارشناسی ورزش در بین‌النهرین، یونان و ایران باستان است.

### شیوه ارجاع به این مقاله

خسروی، زینب، افخمی، بهروز، حاجی‌زاده باستانی، کریم، جوانمردزاده، اردشیر. (۱۴۰۰). کارکرد ارابه در ایران دوره هخامنشی، میان‌رودان و یونان باستان، تحقیقات تاریخ اجتماعی، 11(1).

doi: 10.30465/shc.2021.33655.2163

### کتاب‌نامه

ادی، سموئیل کند (۱۳۹۲)، آیین شهریار در شرق، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: علمی و فرهنگی.

اطهریان مریان، سید حسین (۱۳۷۸). کالبد شکافی و انحطاط سیاسی، تهران: بقیعه.

الباده، میرچا، (۱۳۸۹)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.

اوتو، والتر فریدریش (۱۳۹۶)، تئوفانیا: جانمایه دین یونان باستان، ترجمه منوچهر اسدی. ج ۱، تهران: ثالث.

بهار، مهرداد (۱۳۸۴)، ادیان آسیایی، تهران: چشمه.

- جانستون، سارا ایلز (۱۳۹۴)، *درآمدی بر دین‌های دنیای باستان*، ترجمه جواد فیروزی. تهران: ققنوس.
- دایسون، رابرت هنری (۱۳۸۶). «معماری عصر آهن در حسنلو گزارش تحقیقی». در: *دژ حسنلو دوره IVB ۱۱۰۰ تا ۸۰۰ ق.م*، ترجمه علی صدرائی و صمد علیون، تهران: گنجینه هنر.
- دوشائسی، ماند (۱۳۸۶)، «یراقهای اسب از حسنلو». در: *دژ حسنلو دوره IVB ۱۱۰۰ تا ۸۰۰ ق.م*. ترجمه علی صدرائی و صمد علیون، تهران: گنجینه هنر.
- سلیم، محسن (۱۳۹۰)، *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران زمین*، تهران: جامی.
- شیری، افسانه (۱۳۸۷)، «خدای آتش در اساطیر ایران و یونان باستان». *کتاب ماه هنر*. صص ۱۰۶-۱۱۵.
- شی‌پرا، ادوارد (۱۳۸۶)، *الواح بابل*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۱)، *بنیادهای علم سیاست*، ج ۲۴، تهران: نی.
- عیسوی، روزان، مهرداد محرم‌زاده و حسن محمدزاده (۱۳۸۹). «نگاهی به اسب و اسب سواری در ایران»، *مطالعات ایرانی*، سال ۹، شماره ۱۷، صص ۱۳۳-۱۵۶.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۶)، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرافورد، هدیت (۱۳۸۷)، *سومر و سومریان*، ترجمه زهرا باستی، ج ۱، تهران: سمت.
- ماسکار، اسکار. وایت (۱۳۸۶)، «نبرد حسنلو در اواخر قرن نهم ق.م»، در *دژ حسنلو دوره IVB ۱۱۰۰ تا ۸۰۰ ق.م*، ترجمه علی صدرائی و صمد علیون، تهران: گنجینه هنر.
- مظلومی، رجبعلی (۱۳۸۷)، *بازنگری بر فلسفه، اصول و مبانی تربیت بدنی*، (تلحیقات محمدحسین رضوی و نصرالله سجادی)، نشر شمال پایدار.
- موسوی، مهرزاد (۱۳۹۰)، *جستاری در پیشینه هنر هخامنشی*، شیراز: رخشید.
- موسوی، میرطیب (۱۳۸۳)، *ارتش و سیاست از نظر تا عمل*، تهران: مردم‌سالار.
- ناردو، دان (۱۳۹۲). *یونان باستان*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، ققنوس: تهران.
- نیبرگ، هنریک سامونل (۱۳۸۳)، *دین‌های ایران باستان*، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ویتر، آیرین. جی (۱۳۸۶)، «جام حسنلو سی سال بعد»، در: *دژ حسنلو دوره IVB ۱۱۰۰ تا ۸۰۰ ق.م*، ترجمه علی صدرائی و صمد علیون، تهران: گنجینه هنر.
- هال، جیمز (۱۳۹۰)، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.



هینلز، جان راسل، (۱۳۸۵)، شناخت اساطیر ایران، مترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چ ۱، تهران: چشمه.

- Anderson, John K (1975). "Greek chariot-borne and mounted infantry", *American Journal of Archaeology*, 175-187.
- Anthony, David W (1995). "Horse, wagon & chariot: Indo-European languages and archaeology", *Antiquity*, vol.69, no. 264: 554-565.
- Bale, John (2002). *Sports geography*, Routledge.
- Bertman, Stephan (2003). *Handbook to life in ancient Mesopotamia*, Oxford University Press.
- Bitros, George. C & D. Karayiannis Anastassios (2010). "Morality, institutions and the wealth of nation: Some lessons from ancient Greece", *European Journal of Political Economy*, vol. 26, no.1: 68-81.
- Bordessa, Kris (2006). *Tools of the Ancient Greeks: A Kid's Guide to the History & Science of Life in Ancient Greece (Build It Yourself) Paperback – Illustrated*, Nomad Press.
- Mock, Carle. T (2015). "The Mortal Race: Mankind and the First of the Funeral Games of Patroclus", *The Journal of the Braniff Graduate School of Liberal Arts*.
- Chiang, Shih-Cong Fan (2015). *Urban Civilians' Experiences in the Romano-Persian Wars, 502-591 CE*, Doctoral dissertation, London: Centre for Hellenic Studies, King's College London.
- Chrissanthos, Stefan G (2008). *Warfare in the Ancient World: From the Bronze Age to the Fall of Rome: From the Bronze Age to the Fall of Rome*. ABC-CLIO.
- Crowther, Nigel B (2007). *Sport in ancient times*, Greenwood Publishing Group.
- Curtis, John (1998). "A chariot scene from Persepolis", *Iran*, vol.36, no.1: 45-51.
- Daqing, Wang (2007). "On the ancient greek αἴμα", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, vol. 2 (2010): 6805–6812.
- Dercksen, Jan Gerrit (1999), *Trade and finance in Ancient Mesopotamia: proceedings of the First MOS Symposium* (Leiden 1997), Nederlands Historisch-Archaeologisch Instituut.
- Dezs , Tamás (2012). *The Assyrian Army*, ELTE-Ókortörténeti Tanszék.
- Dombrowski, Daniel A (2009). *Contemporary athletics and ancient Greek ideals*, University of Chicago Press.
- Dunning, Eric & Chris Rojek (1992). *Sport and leisure in the civilizing process*, Palgrave Macmillan, a division of Macmillan Publishers Limited.
- Dusinberre, Elspeth RM (2010). "Anatolian crossroads: Achaemenid seals from Sardis and Gordion", *In The World of Achaemenid Persia. History, art and society in Iran and the Ancient Near East. Proceedings of a conference at the British Museum*, London (pp. 323-336).
- Edzard, Sibylle & Dietz Otto Edzard (1997). *Gudea and his dynasty (Vol. 1)*, University of Toronto Press.

- Girginov, Vassil & Jim, Parry (2005). *The Olympic games explained*, London and New York: Routledge.
- Hunt, Norman Bancroft (2008). *Living in Ancient Mesopotamia*, Infobase Publishing.
- Kent, Roland G (1953). *Old Persian (Grammar, Texts, Lexicon)*, New Haven: American Oriental Society.
- Kuiper, Kathleen (Ed.) (2010). *Mesopotamia: The world's earliest civilization*. Britannica Educational Publishing.
- Kuzmina, Elena Efimovna (2002). "On the origin of the Indo-Iranian", *Current anthropology*, vol. 43, no.2: 303- 304.
- Kyle, Donald G (2014). *Sport and spectacle in the ancient world (Vol. 5)*, John Wiley & Sons.
- Levinson, David & Karen, Christensen (1999). *Encyclopedia of world sport: from ancient times to the present*, Oxford University Press, USA.
- Licheli, Vakhtang (Ed.). (2007). *Achaemenid culture and local traditions in Anatolia, Southern Caucasus and Iran: new discoveries*. Brill.
- Littauer, Mary Aiken (1972). "The military use of the chariot in the Aegean in the Late Bronze Age", *American Journal of Archaeology*, vol.76, no 2:145-157.
- Malandra, William W (Ed.). (1983). *An introduction to ancient Iranian religion: Readings from the Avesta and Achaemenid inscriptions (Vol. 2)*. U of Minnesota Press.
- McIntosh, Jane (2005). *Ancient Mesopotamia: new perspectives*, ABC-CLIO.
- Moorey, Peter Roger Stuart (1986). "The emergence of the light, horse-drawn chariot in the Near-East c. 2000–1500 BC", *World Archaeology*, vol.18, no.2:196-215.
- Nardo, Don (2009). *Ancient Mesopotamia*, Greenhaven Publishing LLC.
- Nyberg, Henrik Samuel (1974). *A Manual of Pahlavi. Vol 2*. Wiesbaden.
- Orlin, Louis L (2007). *Life and thought in the ancient Near East*. University of Michigan Press.
- Parpola, Asko (2005). "The Nāsatyas, the chariot and Proto-Aryan religion", *Journal of Indological Studies*, vol.16, no.17: 1-5.
- Pinches, T. G. (1912). *Mesopotamian Archaeology. An Introduction to the Archaeology of Babylonia and Assyria*, By Percy SP HandcockM. A. With numerous illustrations and two maps. Macmillan.
- Root, Margaret Cool (1999). "The Cylinder seal from Pasargadae: of wings and wheels, date and fate ", *Iranica antiqua*, vol.34, 157-90.
- Sacks, David., Oswyn, Murray & Lisa R, Brody (2014). *Encyclopedia of the ancient Greek world*. Infobase Publishing.
- Sajjadi, S. Mansur Seyyed (2007). "Wall Painting from Dahaneh-ye Gholaman (Sistan)", *In Achaemenid Culture and Local traditions in Anatolia, Southern Caucasus and Iran* (pp. 129-154). Brill.
- Salisbury, Joyce E (2001). *Encyclopedia of women in the ancient world*, ABC-CLIO.

کارکرد ارابه در ایران دوره هخامنشی، ... (زینب خسروی و دیگران) ۹۷

- Sansone, David (1992). *Greek athletics and the genesis of sport*, Univ of b
- Scanlon, Thomas F (2002). *Eros and Greek athletics*, Oxford University Press.
- Sweet, Waldo E (1987). *Sport and recreation in ancient Greece: A sourcebook with translations*, Oxford University Press.
- Wallenfels, Ronald & Jack M, Sasson (2000). *The Ancient Near East: an encyclopedia for students*, Scribner.
- Weippert, M. H. E., Schneider, T., Frahm, E., Garr, W. R., Halpern, B., van den Hout, T. P., & Winter, I. J. (2003). *Culture and History of the Ancient Near East*.
- Xenophon. *Hellenica*, Books I-V. (1961). *With an English Translation by Carleton L. Brownson* Hardcover.
- Young, David C (2008). *A brief history of the Olympic games*, John Wiley & Sons.
- Yadin, Yigael (1963). *The Art of Warfare in Biblical Lands*, vol.2, New York: McGraw Hill.

